یادداشت روز

قدرت، تنها ضامن امنیت

۱- چه بخواهیم و چه نخواهیم، دنیای امروز بر مدار «قدرت» می‌چرخد. اگر در چنین دنیایی، «قدرت» نداشته باشیم، کلاه‌مان پس معرکه است. اگر می‌بینید در قرن ۲۱، چند کشور زورگو، مقابل دیدگان میلیاردها انسان، با ابزار «رژیم صهیونیستی» مثل آب خوردن در حال نسل‌کشی و کشتار ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در باریکه‌ای به نام غزه هستند، صرفا به خاطر ماهیت «تمدن وحشی غرب» و «شیطان صفتی» صهیونیزم جهانی نیست. آنها مست قدرتند. مسلح به فناوری و اقتصاد هستند و با همین ابزارهاست که قدرت را باز تولید می‌کنند. همین دیروز رسانه‌ها اعلام کردند، انگلیس ۵۱ میلیارد دلار دیگر در حوزه برنامه اتمی‌اش سرمایه‌گذاری می‌کند! سرمایه‌گذاری در چنین حوزه‌هایی همزمان با فشار به سایر کشورها برای سرمایه‌گذاری نکردن در همان حوزه‌ها، ادامه همان پروسه «تولید قدرت» از سوی صاحبان قدرت است. هیچ کس با عقب‌نشینی از علم و تکنولوژی‌های نوین به قدرت نمی‌رسد!

۲- سؤال‌ها خیلی ساده‌اند: هدف از آن «مذاکره»ای که عده‌ای در کشور لحظه‌ای از دهان‌شان نمی‌افتاد، و تنها راه‌حل برون‌رفت از مشکلات کشور را مذاکره «جار» زدند، آیا افزایش «مولفه‌های قدرت» ایران بود یا کاهش آن؟ آیا حریف با این مذاکرات می‌خواهد، توانایی‌های هسته‌ای و نظامی و دفاعی کشورمان را زیاد کند یا کم؟ آیا موضوع این مذاکرات، توانایی‌های هسته‌ای و موشکی ماست یا توانایی‌های دشمن؟! آیا اصلا، نام روشی که دشمن در پیش گرفته، «مذاکره» است؟ اینکه وسط یک جنگ معتبر و تجربه شده، دشمن بگوید باید توانایی‌های اتمی و موشکی‌ات را منهدم کنی، متحدانت را ضعیف کنی، و نام آن را هم بگذارد «مذاکره برای حل اختلافات» و عده‌ای در کشور آن را به افکار عمومی به عنوان تنها راه‌حل برون‌رفت از مشکلات! تزریق کنند، دیوانگی هست یا نیست؟

۳- «اقدام» و «عمل»، نتیجه «مشاهده» و «محاسبه» است. هرچه این اقدام بزرگ‌تر و مهم‌تر، محاسبات بیشتر و پیچیده‌تر. تجاوز ۱۲روزه به کشورمان از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا، نتیجه یک‌سری محاسبات بود. آنها کدام کنش‌ها و واکنش‌ها، کدام اقدامات و صحبت‌ها، کدام تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادیِ ما را دیدند، محاسبه کردند و تصمیم به حمله گرفتند؟! وقتی پس از تجاوز ۱۲ روزه دشمن به کشور، به شهادت رساندن فرماندهان ارشد، به شهادت رساندن ۱۱۰۰ هموطن، بمباران تاسیسات اتمی و تصریح دشمن به «رژیم چنج» و «ترور مقامات کشور» آن هم وسط مذاکره، کسانی بگویند بیایید مشکلاتمان را با مذاکره حل کنیم، چه پیامی برای دشمن مخابره می‌کنند؟ پیام ضعف یا قدرت؟ پاسخ خیلی روشن است. وقتی دشمن از مواضع ما، برداشت ضعف کند، چه محاسباتی می‌کند؟ اگر از این مواضع، پیام «ضعف» برداشت کند، چه می‌کند؟ همین که دشمن سیلی خورد و برای آتش‌بس به التماس افتاد (رجوع کنید به اظهارات نخست‌وزیر قطر پس از حمله ایران به پایگاه العدید) نشان می‌دهد، محاسبات دشمن غلط بود.نباید با موضع‌گیری‌های غلط، ارسال پیام ضعف، دادن پاسخ‌های نرم به گستاخی‌های و اقدامات سخت دشمن، دشمن را دوباره به «محاسبه غلط» انداخت! «له» شدن دشمن در ۱۲ روز جنگ، علاوه بر این که نشان داد، دشمن در محاسباتش اشتباه کرده، این را هم اثبات کرد که اظهارات و مواضع برخی در داخل کشور نیز اشتباه بوده! بخشی از اظهارات دیروز آقای عراقچی در مصاحبه با فاکس نیوز آیا، تکرار این اشتباهات نبود؟

۴- یک لحظه -فقط یک لحظه-تصورش را بکنید، ما در جریان مذاکراتی که به برجام ختم شد، اجازه داده بودیم برجام ۲ و ۳ و... هم شکل بگیرد. برجام‌های ۲ و ۳ و... به دنبال گرفتن کدام مؤلفه‌های قدرت ما بود. برجام یک برای گرفتن توان هسته‌ای بود. برجام ۲ برای توان موشکی و برجام ۳ متحدان منطقه‌ای. اگر توانایی‌های موشکی و منطقه‌ای ما در کنار توجه ویژه خدای بزرگ به این ملت و به این کشور نبود، چه بلایی به سر ایران می‌آمد؟ آیا بلایی که امروز بر سر مردم سوریه و لبنان آمده، برای ما تکرار نمی‌شد؟ چرا هیچ مسئولی تاکنون حاضر نشده اظهارات اخیر «جیک سالیوان»، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا را که گفته است «ایران حاضر شده بود غنی‌سازی خود را به نزدیک صفر رسانده و حتی روی برنامه موشکی و متحدان منطقه‌ای‌اش هم مذاکره کند»(نقل به مضمون) تکذیب کند؟

۵- وقتی در آستانه وقوع جنگ قرار دارید، باید با تمام توا و ظرفیت شما، مانع از بروز جنگ شود. اما وقتی جنگ شروع شد، باید با تمام توان و بدون ذره‌ای تردید، وارد میدان شد. ما اکنون در جنگ قرار داریم و فقط شکل آن پس از آتش‌بس تغییر کرده است. ما این جنگ را شروع نکردیم. این جنگ بر ایران عزیز تحمیل شد آن هم وسط مذاکره. و این یعنی، آنها دنبال مذاکره نبودند؛ دنبال تبدیل ایران به سوریه یا لیبی بودند و نتوانستند. این را پنهان هم نمی‌کنند و به صراحت می‌گویند. علائم دیگری غیر از این اظهارات وجود دارد که نشان می‌دهد، تفاوت نگاه آنها به مذاکره با نگاه ما، از زمین است تا آسمان. کمی به عقب برگردید. به ماه‌ها و هفته‌های منتهی به جنگ ۱۲ روزه. وقتی خبر می‌رسید که در ۵ دور مذاکره غیر مستقیم ایران و آمریکا، طرف آمریکایی اصلا جدی نیست و اظهاراتِ داخل جلسه‌اش با موضع‌گیری‌های پس از جلسات متفاوت است، یعنی آنها دنبال مذاکره نبودند بلکه در حال برنامه‌ریزی برای حمله به کشورمان بودند. هدف قطعی‌شان هم چند پاره کردن ایران بود، چون طبق دکترین بن گوریون، «هیچ کشوری در منطقه نباید بزرگ‌تر و قوی‌تر از اسرائیل باشد». آنها این هدف را با دو روش دنبال می‌کردند:۱- تجاوز نظامی ۲-مذاکره! در تجاوز نظامی سیلی خوردند و نتوانستند. حالا همین هدف را با مذاکره دنبال می‌کنند. هدف ما از مذاکره اما، لغو تحریم‌های اقتصادی است! حالا باید درباره ساده‌لوحی کسانی که فکر می‌کردند دشمن به دنبال لغو تحریم‌های اقتصادی ایران است، چه باید گفت؟!

۶- ماجرای ۲۳ خرداد ماه، خیلی شفاف، «غلط» بودن مسیر طیفی از مدعیان اصلاحات را نشان داد. «حمله به ایران وسط مذاکره» که در این روز رخ داد، برای تحلیل مسئله این یادداشت، گزاره مهمی است. هیچ مدعیِ اصلاح‌طلبی نمی‌تواند صحت این گزاره را رد کند. حالا امروز این طیف باید پاسخ دهد که آیا، این که چند دهه است می‌گوید «با مذاکره سایه جنگ را از کشور دور کردیم» از سر کج فهمی بوده یا نه، با حساب و کتاب‌هایی این ادعاها را مطرح کرده است؟ باید پاسخ دهد، وقتی دشمن با شعار «تغییر رژیم» به ایران حمله نظامی کرده و از قضا سیلی سختی می‌خورد، و بلافاصله این طیف وارد شده و از لزوم «تغییر پارادایم» سخن می‌گوید! این «هماهنگی» اتفاقی است یا نوعی تقسیم کار یا حتی «پلن بی» است؟! این که چند ماه قبل از تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورمان، فیلتر برخی پیام رسان‌های بدسابقه و مورد استفاده دشمن در این جنگ برداشته می‌شود، چطور؟ این هم اتفاقی است؟ لایحه دو فوریتی که اسفند ماه ۱۴۰۳ اعلام شد، برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شده چطور و.....

۷- در نظام بین‌الملل، قدرت‌ها نه بر اساس اخلاق و مرام و رفاقت، که بر اساس منافع و محاسبات «عمل» می‌کنند. رفتار و گفتار و عمل مقامات یک کشور در این محاسبات موثرند. ایران عزیز نیز اگر در چهار دهه گذشته توانسته در برابر فشارها مقاومت کند، نه به خاطر مذاکره و امتیاز دادن به دشمن بلکه به دلیل حفظ و تقویت مولفه‌های قدرتش بوده است. سؤال اساسی اما اینجاست: آیا مذاکره‌ای که طرف مقابلش با تابلویی مثل «اجرای دکترین بن‌گوریون» حاضر شده و هدفش «براندازی» بود، می‌تواند به قدرتمند شدن کشور بینجامد؟ وقتی دشمن پس از تجاوز با پاسخ قاطع ایران مواجه می‌شود و به آتش‌بس تن می‌دهد، اما بلافاصله طیفی در داخل پیدا می‌شود که دم از «مذاکره» می‌زند، چه سیگنالی به دشمن ارسال می‌شود؟ دشمن این را نشانه ضعف می‌بیند یا قدرت؟ راه‌حل واقعی تعامل هوشمندانه در کنار افزودن بر مؤلفه‌های قدرت است، نه کاهش این مولفه‌ها.

جعفر بلوری

جدیدترین نتیجه حمله ایران به پایگاه آمریکا

اندیشکده امنیت ملی آمریکا: ارتش ایالات متحده از العُدَید می‌رود

مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا (JINSA) اعلام کرد: ارتش آمریکا در حال بررسی گزینه‌های فوری جایگزین پایگاه العدید قطر، برای استقرار پایگاه اصلی نظامی خود خارج از برد موشک‌های بالستیک ایران است.

به گزارش مشرق، یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در طول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا علیه کشورمان رخ داد اما کمتر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته حمله موشکی نیروهای مسلح ایران به پایگاه مهم ارتش آمریکا با نام العدید قطر بود که قطعا طراحی، شیوه اجرا و نتایج آن به مرور زمان بیشتر و بهتر در اختیار مردم و کارشناسان قرار خواهد گرفت. ضمن آنکه روند عملیات روانی که با انکار، تمسخر و تحقیر توان موشکی ایران در این حمله آغاز و سپس با سانسور نتایج این حمله ادامه یافت، می‌تواند نسخه مناسبی جهت آشنایی و شناخت بهتر نحوه مواجهه رسانه‌ها و چهره‌های همسو با دشمنان، با قدرت دفاعی و اراده ایران اسلامی برای صیانت از مرزها و منافع خود باشد.

پایگاه ارتش آمریکا در قطر چه ویژگی‌هایی دارد؟

العدید یک پایگاه مستقر در خاک قطر است که ساخت آن در دهه ۱۹۹۰ به‌صورت محرمانه آغاز شد. این پایگاه در اوایل دهه ۲۰۰۰ و متعاقب عملیات آمریکا در کشورهای اطراف ایران، پذیرای نخستین نیروهای آمریکایی شد. با این‌حال، تأسیسات گسترده العدید، در عمل بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در غرب آسیا به شمار می‌رود و امکان قدرت‌نمایی ارتش آمریکا را در سراسر منطقه فراهم می‌کند. از این‌رو، العدید همواره چه از نظر نظامی و چه به لحاظ نمادین، هدفی ارزشمند برای ایالات متحده است. العدید از دو جهت برای ارتش و دولت آمریکا اهمیت راهبردی دارد: نخست آن‌که به آمریکا اجازه می‌دهد که با پشتیبانی از عملیات‌های هوائی خود در منطقه، همچنان قدرت‌نمایی کند و دوم آنکه این پایگاه، عملیات‌های ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین را پوشش می‌دهد تا موجب تقویت ارعاب و قدرت‌نمایی نیروی دریایی آمریکا در خلیج‌فارس، دریای عمان و شمال اقیانوس هند شود. به همین خاطر، از این مرکز به عنوان مقر سرفرماندهی نیروی هوائی و بزرگ‌ترین دارایی راهبردی ارتش آمریکا در منطقه غرب آسیا نام می‌برند.

در برخی مقاطع همچون ایام اشغال برخی همسایگان کشورمان، حدود ۸ هزار نیروی نظامی آمریکایی به همراه صدها نیروی موسوم به ائتلاف، در این پایگاه مستقر بوده‌اند و العدید از سال ۲۰۰۹ رسما به‌عنوان مقر فرماندهی مرکزی آمریکا عمل می‌کند که مسئولیت رهبری عملیات‌های تروریستی آمریکا در سراسر خاورمیانه را برعهده دارد. ضمن آنکه تأسیسات مهم این پایگاه شامل ده‌ها پناهگاه زرهی، سامانه‌های موشکی پاتریوت، دو باند اصلی برای هواپیماهای راهبردی و جنگنده‌های آمریکایی، میزبان زرادخانه هواپیماهای پیشرفته ایالات متحده از جمله بمب‌افکن‌های ب-۵۲ و جنگنده‌های اف-۱۵ و اف-۲۲ هستند.

جزئیات و نتایج حمله موشکی ایران به مهم‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه

در پاسخ به اقدام تجاوزکارانه آمریکا علیه اماکن و تأسیسات هسته‌ای کشورمان، در آخرین ساعات روز ۲ تیرماه ۱۴۰۴، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، پایگاه هوائی نیروهای آمریکایی در العدید قطر را درهم کوبیدند و یگان‌های منتخب نیروی هوافضای سپاه پاسداران، با رمز «یا اباعبدالله الحسین(ع)» ضمن اجرای موفق عملیات «بشارت فتح»، پایگاه العدید قطر را هدف تهاجم قدرتمند موشکی قرار دادند. بر اساس اطلاعیه شورای عالی امنیت ملی، تعداد موشک‌های به کار گرفته شده در این عملیات، به تعداد بمب‌هایی بود که آمریکا در حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران استفاده کرد.

برخی رسانه‌های غربی، در ساعات ابتدائی پس از انجام این عملیات، تعداد موشک‌های شلیک شده توسط سپاه پاسداران را ۶ موشک اعلام کردند. اما ارتش قطر در بیانیه خود اعلام کرد ایران دو دوره حمله، مجموعا ۱۹ موشک به پایگاه هوائی آمریکا در قطر شلیک کرده است. البته ارتش قطر در بیانیه خود تصریح کرد که «هیچ خسارت مالی در پی این عملیات رخ نداده است» که با افشای تصاویر ماهواره‌ای در روزهای بعد، مشخص شد جزئیات این اطلاعیه با فشار ارتش آمریکا تهیه شده وگرنه مسئولان ارتش این کشور، حضوری در پایگاه العدید و امکان بررسی خسارات وارده نداشته‌اند.

اما مهم‌ترین گاف را در این میان، طبق معمول دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا داد و در پیامی در شبکه اجتماعی تروث سوشال، با خوشحالی اعلام کرد که «از ۱۴ موشک ایرانی که به سمت پایگاه هوائی العدید در قطر پرتاب شده، ۱۳ موشک ساقط شدند و یکی هم به‌دلیل حرکت در مسیری غیرتهدیدآمیز، (عمدا) رها شد. تقریبا هیچ خسارتی هم وارد نشد.» وی از این توضیحات، برای رساندن این پیام استفاده کرد که ایران، موضوع حمله را از قبل به آمریکا اطلاع داده و شلیک موشک‌ها نتیجه‌ای نیز به همراه نداشته است. این ادعا و نوع بیان رئیس‌جمهور آمریکا، فرصتی را فراهم کرد تا بار دیگر، رسانه‌ها و چهره‌هایی که علاقه‌مند به تحقیر و تضعیف روحیه و توان موشکی کشورمان بودند، دست به کار شده و حجم وسیعی از پیام‌ها، تصاویر و محتواهای طنز، نقادانه و حتی تحلیلی را تولید و منتشر کنند تا مخاطب تصور کند امکان پاسخگویی و مقابله با تجاوز نظامی ارتش آمریکا به خاک کشورمان فراهم نیست. اما این روند، طولی نکشید و رسانه‌های تخصصی غربی مجبور شدند حداقل آثار یکی از چند اصابت موشکی کشورمان به تجهیزات و ساختمان‌های فرماندهی ارتش آمریکا در منطقه را افشا کنند.

کدام سامانه مهم در حمله ایران نابود شد؟

سامانه‌ای که توسط موشک‌های ایرانی با دقت مورد هدف قرار گرفت و کاملا منهدم شد، یک گنبد (رادوم) ژئودزی ارتباطی ارتش آمریکا بود که اولین سامانه مدرنیزاسیون ارتباط زمینی آمریکایی‌ها در منطقه محسوب می‌شد. این سامانه اولین سیستم ارتباط امن ماهواره‌ای نیروی هوائی ایالات متحده است که وظیفه برقراری ارتباطات امن تصویری صوتی و انتقال دیتا بین فرماندهی سنتکام و فرماندهی‌های آمریکا در سراسر جهان را به‌عهده دارد. این سامانه در باند X, Ku,Ka فعالیت می‌کند و با ماهواره‌های wgs در ارتباط است که پهنای باند مناسبی را برای انتقال هر نوع اطلاعات به‌صورت دیتا صوتی و یا تصویری برای آمریکایی‌ها فراهم می‌کند. برای مثال زمانی که آمریکایی‌ها عملیات ترور شهید سلیمانی را به‌صورت تصویری برای دونالد ترامپ در آمریکا به نمایش گذاشتند این اطلاعات توسط همین سامانه به ایالات متحده منتقل شد.

از طرف دیگر این سامانه که برای احداثش در پایگاه العدید حدود ۱۵ میلیون دلار در سال ۲۰۱۶ هزینه شده و با ویژگی‌های خوبی که در حوزه رمزنگاری انتقال اطلاعات دارای امنیت سایبری بالایی را هم برای آمریکایی‌ها فراهم می‌کند، در انتقال اطلاعات راداری و هدایت عملیات‌های رژیم صهیونیستی به‌خصوص در حوزه پدافند هوائی و پدافند ضدموشکی نقش بسزایی را ایفا می‌کند و در عملیات‌های اخیر موشکی سپاه علیه رژیم صهیونیستی اطلاعات حیاتی را به این رژیم برای مقابله با موشک‌های ایرانی ارائه می‌کرد.

این سامانه قادر است انواع اطلاعاتی را که توسط سامانه‌های مختلف جمع‌آوری آمریکایی‌ها در منطقه به دست می‌آید، از طریق ارتباطات امن ماهواره‌ای به هر فرماندهی در سراسر دنیا انتقال دهد و همچنین اطلاعات مورد نیاز نیروهای سنتکام در منطقه را که توسط سایر رده‌های آمریکایی‌ها جمع‌آوری می‌شود، از طریق ارتباطات ماهواره‌ای دریافت و برای عملیات به نیروهای سنتکام در منطقه ارسال کند.

آمریکایی‌ها که در ابتدا اظهار می‌کردند ایران یک پایگاه خالی را مورد هدف قرار داده و حتی اگر موشک‌های ایرانی به این پایگاه هم اصابت کرده باشند خسارتی را ایجاد نکردند، اما با انهدام این سامانه مهم ارتباطی حداقل ۱۵ میلیون دلار خسارت روی دستشان باقی ماند و این درحالی است که هم سامانه‌های پدافندی ارتش آمریکا مانند پاتریوت و هم سامانه‌های پدافندی ارتش قطر به صورت همزمان، علیه موشک‌های ایرانی فعال شده بودند.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

ارتش اسرائیل اگر به زانو درنیامده بود درخواست آتش‌بس نمی‌کرد

رئیس ستادکل ارتش اسرائیل گفت: جنگ با ایران هنوز به پایان نرسیده است.

«ایال زمیر» در نشست ارزیابی استراتژیک ارتش گفت: جنگ علیه ایران هنوز تمام نشده است؛ مراحل بعدی در راه است.

وی افزود: ما در یک نبرد طولانی‌مدت با ایران قرار داریم. اتفاقات هفته‌های آینده می‌تواند تعیین‌کننده باشد. امنیت اسرائیل در گرو مهار تهدید ایران و بازوهای نظامی آن در منطقه است. زمیر گفت: ایران همچنان به دنبال گسترش قدرت موشکی و هسته‌ای خود است، و ما اجازه نخواهیم داد چنین تهدیدی علیه مردم اسرائیل شکل بگیرد. ارتش اسرائیل در آماده‌باش کامل است و اگر لازم باشد، به‌سرعت وارد فازهای عملیاتی گسترده‌تری خواهیم شد.

وی، جنگ در نوار غزه را یکی از پیچیده‌ترین نبردهایی دانست که اسرائیل تاکنون تجربه کرده، و افزود: «نیروهای منظم و ذخیره هر روز شریک حمله و دفاع هستند، اما در این نبرد بهای سنگینی می‌پردازیم که امروز نیز دوباره شاهد آن بودیم».

اظهارات زمیر در حالی است که به اذعان محافل گوناگون غربی و عبری، اسرائیل در اثر تشدید و تنوع حملات قاطع ایران، در روزهای پایانی جنگ به زانو درآمده بود و از طریق واسطه‌های آمریکا دربه‌در آتش‌بس برای توقف حملات ایران بود.

در این زمینه پروفسور جان مرشایمر، استاد آمریکایی روابط بین‌الملل گفت: رهبران اسرائیل فاقد درایت راهبردی‌اند و با تصمیمات خود وارد بحران شده‌اند. تهدید اسرائیل کاتز (وزیر جنگ اسرائیل) به حمله مجدد به ایران فاقد منطق نظامی است. بسیاری در ایران معتقدند که پذیرش آتش‌بس اشتباه بود، زیرا توازن به نفع ایران بود. ایران در جنگ فرسایشی موقعیت بهتری داشت و اسرائیل به دلیل ناتوانی در ادامه درگیری‌ها خواستار پایان آن شد. ایرانی‌ها موشک‌های زیادی دارند و این موشک‌ها بسیار ساده از سد دفاعی عبور می‌کنند. اسرائیل اندازه یک تمبر پستی است و برای کشوری مثل ایران، وارد کردن خسارات بسیار زیاد به اسرائیل بسیار آسان است. توان موشکی ایران کارآمد است و آسیب‌پذیری اسرائیل مشهود است.

همچنین در ایام منتهی به آتش‌بس، رسانه‌ها و چهره‌های معروف غربی یا صهیونیستی بسیاری از بیچاره شدن و به زانو درآمدن اسرائیل در اثر حملات ایران خبر دادند. از جمله:

روزنامه گاردین: اصابت موشک‌های هیولایی ایران، در اسرائیل جهنم ساخته است.

روزنامه یدیعوت آحارانوت: مکان‌هایی که موشک‌های ایرانی اصابت کرده، شبیه میدان جنگ هستند. ویرانی‌هایی که در خیابان‌های تل‌آویو دیدیم، دیوانه‌کننده است.

شبکه آمریکایی ان‌بی‌سی به نقل از یک مقام ارشد اسرائیلی: ایران احتمالاً می‌تواند حجم فعلی شلیک موشک را تا ۵ ماه ادامه دهد.

روزنامه اسرائیل‌هیوم: گزارش‌ها مبنی بر کاهش موشک‌های پدافندی، حکایت از وجود چالش‌های فزاینده‌ای برای اسرائیل دارد.

روزنامه معاریو: لایه‌های پدافندی اسرائیل، آشکارا فروپاشیده و اوضاع در آینده وخیم‌تر می‌شود.

روزنامه واشنگتن‌پست: اسرائیلی‌ها از رگبار موشک‌های ایران فلج شده‌اند. با اصابت موشک‌ها، آنها در حال از دست دادن حس امنیت همیشگی هستند.

مک گرگور، سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا: وضعیت اسرائیل، بسیار وخیم است؛ یک‌سوم تل‌آویو یا به طور کامل تخریب‌شده یا آسیب جدی دیده است. اسرائیل در وضعیتی شکننده قرار دارد و تنها چند روز دیگر می‌تواند مقاومت کند.

استیو بنن مشاور سابق ترامپ: دیروز اوضاع خیلی سختی بود. این آتش‌بس بیشتر برای نجات خود اسرائیل بود. این همان بخش پنهان ماجراست. آنها وارد ماجرائی شدند که فراتر از توانشان بود. تا جایی پیش رفتند که دیگه رمقی براشان نمونده بود. دیروز واقعاً روزی وحشتناک برای اسرائیل بود. آنها به این آتش‌بس نیاز داشتند و رئیس‌جمهور ترامپ با کمک قطر وارد ماجرا شد.

اوری گلدبرگ، تحلیلگر سیاسی در تل‌آویو: اسرائیل در حال تمام کردن ذخیره موشک‌های دفاعی بود. فکر نمی‌کنم اسرائیل واقعاً بتواند در یک جنگ فرسایشی موشکی با ایران دوام بیاورد. خسارات در اسرائیل شروع به انباشته‌شدن کرده بود. اسرائیل وضعیت خوبی ندارد. ما توان جنگیدن با ایران را نداریم.

دونالد ترامپ: اسرائیل ضربه خیلی سختی خورد. خصوصاً در روزهای آخر، اسرائیل واقعاً ضربه سختی خورد. وای پسر، اون موشک‌های بالستیک خیلی از ساختمان‌ها رو نابود کردند.

ایهود اولمرت نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی: موشک‌های ایرانی ترس دارد؛ من اگر نخست‌وزیر بودم سعی می‌کردم دستم را به سوی رهبر ایران دراز کنم و از ایرانی‌ها تقاضا کنم که دیگر بس است.

سرلشکر «گیورا آیلند»، رئیس سابق شورای امنیت اسرائیل: منافع اسرائیل در پایان دادن به جنگ و تن‌دادن به آتش‌بس بود؛ ادامه جنگ به صلاح نبود.

خشم ملت ایران از اسرائیل و آمریکا نقشه آشوب را نابود کرد

روزنامه نیویورک تایمز می‌گوید حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، برنامه آنها برای ایجاد آشوب در تابستان را از بین برد.

نیویورک تایمز نوشت: پیش‌بینی می‌شد ایران در تابستان با آشوب داخلی مواجه شود، اما جنگ و فراخوان ترامپ و نتانیاهو به مردم ایران برای قیام علیه نظامشان، نتیجه عکس داد. برخی تحلیلگران مسائل ایران قبل از حملات اسرائیل، پیش‌بینی می‌کردند که ایران در تابستان شاهد آشوب خواهد بود؛ اما به نظر می‌رسد حمله اخیر، نتیجه‌ای معکوس از خود بر جای گذاشت. درخواست‌های ترامپ و نتانیاهو از ایرانیان بعد از آغاز حملات برای قیام علیه نظام، حتی با واکنش برخی از منتقدان حکومت مواجه شد و آنها گفتند نمی‌توانند چنین اقدامی را تأیید کنند. یک ایرانی در این باره می‌گوید: «مردم نمی‌پذیرند که تغییرات داخلی توسط دولت‌های خارجی هدایت شود. این برخلاف غرور ملی من است که کشوری بیاید، به سرزمین من تجاوز کند و به سایت‌های هسته‌ای من حمله کند در نهایت، همین برنامه هسته‌ای هم بخشی از سرزمین و خاک من است.»

روزنامه آمریکایی با ابراز عصبانیت و ناراحتی از بازنشر سرودهایی با مضمون دفاع از ایران پس از جنگ اخیر نوشت مقامات جمهوری اسلامی در خشم مردم ایران ناشی از حملات اسرائیل و آمریکا که به فوران احساسات ملی‌گرایانه منجر شده، یک فرصت می‌بینند این در حالی است که پیش از حملات اسرائیل، برخی از تحلیلگران پیش‌بینی کرده بودند که تابستان امسال، ایران شاهد آشفتگی داخلی خواهد بود.

یادآور می‌شود روزنامه نیویورک تایمز تنها روزنامه‌ای نیست که از به هم ریختن نقشه تفرقه و آشوب‌افکنی آمریکا و اسرائیل در اثر ارتکاب جنگ خبر می‌دهد بلکه محافل غربی و عبری بسیاری درباره اتحاد و همبستگی کم‌نظیر ملت ایران در اثر جنگ تحمیلی اخیر سخن گفته‌اند؛ برخی از این تحلیل‌ها را در ادامه می‌خوانید:

روزنامه فایننشال تایمز: حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای که نماد غرور ملی ایرانیان است، نتیجه کاملا معکوس داشت و به جای تضعیف حکومت، وحدت مردمی را تقویت کرد. این عملیات با هماهنگی آمریکا انجام شد، اما نتیجه، برخلاف انتظارات رقم خورد. تشدید تنش‌ها توسط اسرائیل، واکنشی قدرتمند را در ایران به همراه داشت. حمله متقابل، نقطه عطفی بود که نشان داد ایران از مقابله واهمه ندارد. ایران، تمدنی تاریخی است که از استقلال خود دفاع می‌کند. موج میهن‌پرستانه، ایران ۹۰ میلیونی را فرا گرفته است. نتانیاهو، با دعوت به شورش، دنبال بهره‌برداری بود، اما عواطف میهن‌پرستانه را تقویت کرد. جنگ، حمایت مردم ایران از برنامه موشک‌های بالستیک، سرکوب همدستان اسرائیل، و اشتیاق برای دستیابی به بمب هسته‌ای را افزایش داد.

نشریه اکونومیست: اسرائیل در جنگ مستقیم با ایران شانسی برای پیروزی ندارد بلکه دچار فرسایش خواهد شد. ایران کشوری با عمق استراتژیک و وسعت جغرافیایی بسیار بالا است و نمی‌توان آن را با چند عملیات محدود، فلج کرد. اگرچه در داخل ایران نارضایتی‌هایی از شرایط اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، اما در زمان تهدید خارجی، انسجام و همبستگی ملی حول محور نظام سیاسی شکل می‌گیرد.

روزنامه جروزالم پست: حمله اسرائیل، همبستگی ملی ایرانیان و حمایت از جمهوری اسلامی را افزایش داد. هیچ نشانی از سستی وضعیت دیده نمی‌شود؛ کاملاً بر عکس، اقتدار نظام، افزایش یافته است. مقامات اسرائیلی اذعان کردند که حملات نه تنها باعث بی‌ثباتی یا شکاف در حکومت ایران نشده، بلکه حس همبستگی ملی را تقویت کرد. مردم ایران با وجود نارضایتی‌های احتمالی، در برابر تهدید خارجی متحد شده و خشم خود را متوجه اسرائیل کرده‌اند. مدیر برنامه ایران در مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS) گفت: تعجبی ندارد که هیچ شکافی دیده نمی‌شود و حس همبستگی ملی وجود دارد؛ مردم می‌بینند که حملات اسرائیل، منجر به کشته شدن افراد و تخریب شده است.

پروفسور جان مرشایمر نظریه‌پرداز آمریکایی: ترامپ و نتانیاهو دو دروغگوی متخصص فریب توده‌های آمریکایی و اسرائیلی هستند. این دو مردم را فریب داده‌اند که ما در جنگ بر ایران پیروز شدیم. نتانیاهو توان جنگ فرسایشی با ایران را نداشت و ترامپ واقعاً ترسیده بود که ایران تنگه هرمز را ببندد. وضعیت نظام ایران، از قبل جنگ به مراتب بهتر است، و این، شکستی برای اسرائیل است که می‌خواست ایران را تجزیه کند و سیاستش «تفرقه‌بینداز و حکومت کن» است.

دکتر رزیمات، رئیس میز ایران و محور شیعه در مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل: ما شاهد یک انسجام و یکپارچگی داخلی هستیم؛ اتحاد ملی در بین ایرانی‌ها وقتی که حمله اسرائیل را دیدند بیشتر و عمیق‌تر شد. در حال حاضر بخش بزرگی از مردم ایران خشم خود را متوجه اسرائیل کرده‌اند.

گزارشگر NBC نیوز از تهران: ما در این‌جا نه پیام شکست می‌بینیم و نه می‌شنویم. در این‌جا مردم ایران در حال عبادت و بزرگداشت یک شهید شیعه [امام حسین علیه‌السلام] هستند که ۱۴۰۰ سال پیش کشته شد. اما امسال، پس از جنگ با اسرائیل، این مراسم باستانی رنگ و بوی دیگری گرفته است و راهی برای ایرانیان است تا نشان دهند که هرگز فراموش نخواهند کرد و هرگز تسلیم نمی‌شوند و اینکه این انقلاب اسلامی ادامه خواهد یافت. ری تکیه، پژوهشگر ارشد شورای روابط خارجی آمریکا: اسرائیل خواسته یا ناخواسته، باعث همبستگی بی‌سابقه ملی- مذهبی در ایران شد.

گفت و شنود

رنگ زلف!

گفت: روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال از نامه‌ای خبر داده است که ترامپ سال‌ها پیش به «جفری اپستین» نوشته و در آن شخصیت کثیف و پلید دونالد ترامپ بر ملا شده است.

گفتم: جفری اپستین همان سرمایه‌دار آمریکایی است که به جرم قاچاق انسان و سوء استفاده جنسی از کودکان بازداشت شده بود؟!

گفت: خودِ خودِشه! ترامپ به وال استریت ژورنال هشدار داده و تهدید کرده که اگر نامه را منتشر کند، از او شکایت خواهد کرد و وال‌استریت ژورنال نوشته است این سند قابل انکار نیست.

گفتم: اپستین جزیره‌ای داشته که سرمایه‌داران کلان مثل ترامپ و کلینتون و... را به آنجا می‌برده و از کثافتکاری آنها فیلم و عکس تهیه می‌کرده است. اخیراً فاش شده که این دام از سوی صهیونیست‌ها بوده و از این طریق افراد مورد اشاره را وادار به همراهی با اسرائیل می‌کرده‌اند!

گفت: پس بگو چرا ترامپ زلف خود را به دُم نتانیاهو گره زده است!

گفتم: چرا از رنگ زلفش چیزی نمی‌گویی؟!

نکته

سخنی دوستانه با آقای عراقچی

۱- آقای عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان در مصاحبه با شبکه آمریکایی «فاکس نیوز» گفته است: «پیام من به ایالات متحده این است که بیایید راه‌حلی مبتنی بر مذاکره برای برنامه هسته‌ای ایران پیدا کنیم. ما پیش‌تر چنین کردیم؛ در سال ۲۰۱۵ به توافقی رسیدیم که به برجام معروف شد. شاید دولت فعلی آمریکا علاقه‌ای به آن نداشته باشد، اما می‌توانیم به توافقی مشابه برجام و حتی بهتر از آن دست یابیم»! ایشان در بخش دیگری از همان مصاحبه می‌گویند: «ما هیچ وقت قصد محو کردن اسرائیل از نقشه جهان را نداشته‌ایم»! درباره اظهارات وزیر خارجه محترم کشورمان اشاره به چند نکته ضروری است. بخوانید!

۲- انتظار این بود -و هنوز هم هست- که وزیر خارجه محترم کشورمان فقط -و فقط- به یک نمونه از دستاوردهای برجام اشاره می‌کردند و توضیح می‌دادند که برجام غیر از «خسارت محض» چه سودی برای کشورمان داشته است؟! که تاکید کرده‌اند: «ما می‌توانیم به توافقی مشابه برجام و حتی بهتر از آن دست یابیم»! دولت آقای روحانی بیشترین امکانات و ظرفیت کشور را در مذاکرات هسته‌ای هزینه کرد و در حالی که هدف از مذاکرات، لغو تحریم‌ها بود، نه فقط هیچ تحریمی لغو نشد، بلکه تحریم‌ها بیش از دو برابر هم شد.

**۳- ایشان اظهار می‌دارند که: «شاید دولت فعلی آمریکا علاقه‌ای به آن نداشته باشد» و می‌فرمایند:«می‌توانیم به توافقی مشابه برجام و حتی بهتر از آن دست یابیم» و این پرسش‌ها را بی‌پاسخ می‌گذارند که، برای آمریکا توافقی